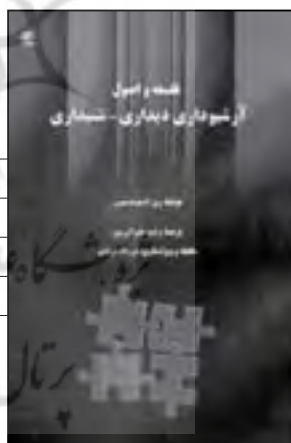


فلسفه و اصول آرشیوداری دیداری - شنیداری

• گیتی کاوه^۱

مدرس دانشگاه علامه طباطبائی



■ ادموند سون، ری. فلسفه و اصول
آرشیو دیداری - شنیداری. ترجمه وحید
طهرانی پور. تهران: کتابدار، ۱۳۸۶.
۱۵۸ ص. شابک: ۶-۵۱-۷۱۴۳-۹۶۴

کتاب فلسفه و اصول آرشیوداری دیداری - شنیداری^۲ نوشته ری ادموند سون^۳ است که در سال ۲۰۰۵ منتشر شده است. این کتاب برای نخستین بار در ایران ترجمه شده است. مترجم پیش از این نیز در زمینه آرشیوهای دیداری - شنیداری، کتاب حفظ و نگهداری نوارهای مغناطیسی را با همکاری هدی چوبک تألیف و ترجمه کرده است، همچنین کتاب آرشیوداری دیداری - شنیداری هم اثر مشترک او و نورالله مرادی است که در سال ۱۳۸۷ به چاپ رسیده است.

ری ادموند سون، مؤلف این کتاب، از ۱۹۶۸ کار خود را در کتابخانه ملی استرالیا آغاز کرد و در ۱۹۷۸ مدیر بخش فیلم این کتابخانه شد. وی از پایه‌گذاران آرشیو ملی فیلم و صدای استرالیا است که در سال ۱۹۸۷ پایه‌گذاری شد. از ۱۹۸۷ تا ۲۰۰۳ جوایز بین‌المللی زیادی را برای اقداماتش در زمینه آرشیوداری دیداری - شنیداری دریافت کرد و به ریاست مجمع بین‌المللی این حرفه دست یافت. در سال ۱۹۸۶ در مقطع دکتری دانشگاه چالز استورت استرالیا تحصیلاتش را ادامه داد. وی نخستین فردی است که کتابی درباره فلسفه آرشیوداری در جهان منتشر کرده است. انتشار نسخه اصلی این اثر پنج سال به طول انجامیده و مطالب آن حاصل بحث و تبادل نظر مؤلف با بزرگ‌ترین آرشیوداران دنیا بوده است. از دیگر نقاط قوت این اثر مقابله و ویراستاری آن است که به‌عهدۀ نورالله مرادی بوده است. نشر کتابدار در پاییز ۱۳۸۶ این کتاب را در ۵۰۰ نسخه منتشر کرده است.



از آنجاکه ابداع، تولید و نشر منابع دیداری - شنیداری یک صنعت وارداتی است، واقعیت کمبود منابع علمی این حوزه در ایران مضاعف می‌گردد، در حالی که رشد فناوری‌های اطلاعاتی - ارتباطی در دو دهه اخیر در جهان موجب شده آرشیوهای دیداری - شنیداری توسعه روزافزونی داشته باشند

در این برهه اهمیتی چندبرابر از قبل پیدا کرده و حتی ضرورتی است که به‌نظرمی‌رسد پیش از مباحث فنی باید به آن پرداخت. بنابراین بر متخصصان و اندیشمندان این حوزه است که با تألیف و ترجمه، به جبران ضعف ادبیات تخصصی و حرفه‌ای در این حوزه بپردازند. کاری که طهرانی‌پور و مرادی پس از نویسنده اثر، بدان همت گماشته و با این کوشش علمی، به رفع یک کمبود اساسی در ادبیات حرفه‌ای حوزه آرشیوداری دیداری - شنیداری در کشور کمک کرده‌اند.

در حال حاضر بیش از ده‌ها آرشیو دیداری - شنیداری کوچک و بزرگ در سازمان‌ها و نهادهای دولتی، خصوصی و نیمه‌خصوصی در سطح کشور فعالند و آرشیویست‌ها یا به‌قول مترجم این اثر آرشیوداران زیادی مشغول رتق و فتق امور آرشیوها هستند. گروهی از آنها متخصص و دانش‌آموخته رشته علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی‌اند و گروهی دیگر در سایر رشته‌ها تحصیل کرده‌اند.

دانشجویان کتابداری و اطلاع‌رسانی، در دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد در مجموع شش واحد درسی درباره مدیریت آرشیوهای دیداری - شنیداری را در حالی پشت‌سرمی‌گذارند که تعداد واحدهای خیلی بیشتر، متنوع‌تر و کامل‌تری را در زمینه مدیریت منابع چاپی می‌گذرانند.

باتوجه به مدیریت پیچیده منابع آرشیوی پرواضح است که همه آرشیوداران نیازمند تقویت بنیه علمی و حرفه‌ای خود می‌باشند، زیرا در حال حاضر در کشورمان

طهرانی‌پور، مترجم کتاب، تجربه ارزشمندی را در زمینه آرشیوهای دیداری - شنیداری در سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران دارد که بدیهی است پشتوانه محکمی برای ترجمه این کتاب و سایر آثار اوست.

منابع چاپی تاریخچه طولانی دارند که به اختراع چاپ از سوی گوتنبرگ آلمانی در قرن ۱۵م برمی‌گردد. همین قدمت موجب شده است که در حوزه مدیریت اطلاعات مواد چاپی شاهد منابع زیادی درباره فلسفه و اصول کتابخانه‌ها باشیم؛ اما از تاریخ پیدایی منابع دیداری - شنیداری و به‌تبع آن تأسیس و رشد آرشیوهای دیداری - شنیداری حرفه‌ای کمتر از یک قرن می‌گذرد، همین تازگی و نوپایی این عرصه موجب شده است که ادبیات علمی در حوزه آرشیوهای دیداری - شنیداری نسبت به منابع چاپی غنای کمتری داشته باشد.

از آنجاکه ابداع، تولید و نشر منابع دیداری - شنیداری یک صنعت وارداتی است، واقعیت کمبود منابع علمی این حوزه در ایران مضاعف می‌گردد، در حالی که رشد فناوری‌های اطلاعاتی - ارتباطی در دو دهه اخیر در جهان موجب شده آرشیوهای دیداری - شنیداری توسعه روزافزونی داشته باشند و به‌تعبیر برخی از دانشمندان علم اطلاع‌رسانی، حتی در آینده نه‌چندان دور، محمل‌های دیداری - شنیداری به‌ویژه در حیطه منابع دیجیتال، به یکی از اصلی‌ترین سازوکارهای انتقال اطلاعات در دنیا تبدیل شود. از همین روست که بحث و بررسی درباره ماهیت، چرایی و چیستی آرشیوهای دیداری - شنیداری

رشته مستقل آرشیداری وجود ندارد و آنچه در واحدهای محدود و اندک درسی رشته‌هایی چون کتابداری و اطلاع‌رسانی یا تکنولوژی آموزشی در این باره تدریس می‌شود، برای پاسخ‌دادن به انبوهی از چرایی‌های بنیادین در نظریه و عمل، در زمینه آرشیه‌های دیداری - شنیداری کافی نیست. در حالی که با وجود تلاش‌هایی که تاکنون در تألیف و ترجمه آثار حوزه آرشیه شده است، هنوز منابع فارسی در این زمینه به عدد انگلستان یک دست هم نمی‌رسد.

مترجم در بیان هدف کتاب می‌نویسد که این کتاب سعی دارد با بیان مبانی نظری و فلسفی درباره آرشیداری موجب افزایش شأن حرفه و بازشناسی آن در میان سایر علوم مشابه گردد. نویسنده نسخه اصلی نیز هدف این کتاب را برانگیختن بحث و گفت‌وگو و تشویق به تحلیل و دعوت برای به زیرسؤال بردن پیش‌فرض‌ها بیان می‌کند.

مطالعه این کتاب برای گروه‌های حرفه‌ای زیر می‌تواند مفید باشد.

۱. تمام دانشجویان و دانش‌آموختگان رشته علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی که به حوزه تخصصی آرشیه علاقه‌مندند و ممکن است در آینده جذب آرشیه‌های دیداری - شنیداری شوند، به‌ویژه آن دسته که قصد دارند در یکی از دانشگاه‌های خارج از کشور در رشته آرشیه تحصیلاتشان را ادامه دهند؛

۲. تکنولوژیست‌های آموزشی که همواره با تولید، نگهداری و استفاده از منابع دیداری - شنیداری در حوزه آموزش سروکار دارند؛

۳. تمام آرشیداران با هر گرایش تخصصی که در آرشیه‌های دیداری - شنیداری کشور شاغل و فعال هستند، تا بر اهمیت حرفه و نیز ارزش‌های حرفه‌ای خود بیش از پیش واقف گردند. این آگاهی می‌تواند عشق و انگیزه حرفه‌ای بیشتر و عمیق‌تری را برای این خادمان فرهنگ شفاهی کشور به‌ارمغان آورد؛

۴. مدیران گروه‌های تخصصی رشته‌های علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی برای اشراف بیشتر بر جنبه‌های خاص و حساس این حرفه و آگاهی‌یافتن درباره لزوم بازنگری و افزایش واحدهای تخصص‌یافته به درس سه‌واحدی مواد دیداری - شنیداری در دوره کارشناسی و درس سه‌واحدی مدیریت آرشیه در دوره کارشناسی ارشد؛

۵. مدیران گروه‌های تکنولوژی آموزشی دانشگاه‌های کشور به‌منظور بازترشدن زوایای نگاه حرفه‌ای‌اشان به حرفه‌ای که خویشاوندانی چون آرشیداری و کتابداری دارد؛

۶. مدیران کلان سازمان‌ها و نهادهایی که

آرشیه دیداری - شنیداری یکی از واحدهای مجموعه آنهاست، به‌منظور درک عمیق‌تر، گسترده‌تر و علمی‌تر از مسئولیت خطیری که به‌عهده دارند و توجه بیشتر آنها به رفع تنگناهای بودجه، منابع انسانی، تجهیزات و فضای موردنیاز در آرشیه نهاد یا سازمان خود.

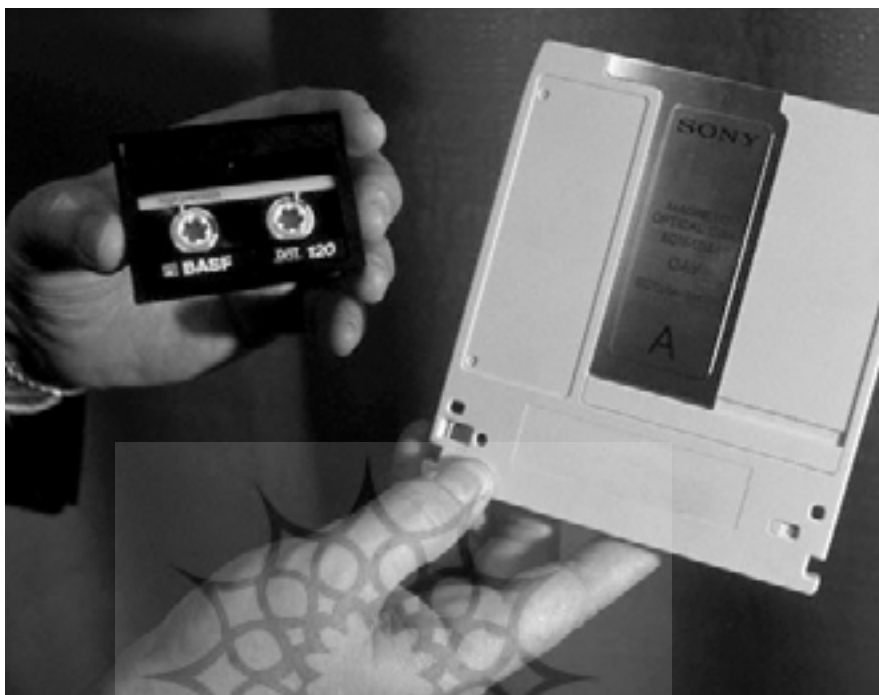
طبق پژوهش‌های میدانی‌ای که نگارنده این سطور به‌عمل آورده و با توجه به تجربه دوازده‌ساله تدریس واحد مواد سمعی - بصری در دانشگاه علامه طباطبایی، اغلب آرشیه‌های سراسر کشور با تنگناهای ذکرشده دست به گریبانند و ریشه بسیاری از تنگناهای موجود، کم‌اطلاعی مدیران کلان سازمان‌ها و نهادهای مادر آرشیه‌های دیداری - شنیداری کشور از فلسفه وجودی و اصول اخلاقی و فنی حاکم بر این گنجینه‌های ارزشمند حافظه فرهنگ دیداری - شنیداری ملت ایران و لزوم مدیریت بهینه آنها برای انتقال به نسل‌های آینده است؛

۷. کاربران مستقیم آرشیه‌های دیداری - شنیداری نیز می‌توانند یکی از مخاطبان این کتاب باشند. زیرا بهره‌مندی مستمر و به‌موقع از منابع آرشیه‌ی موردنیاز آنان، در گرو پذیرش مسئولیت امانت‌داری این منابع در ابعاد فیزیکی و حقوقی می‌باشد. مسئولیتی که گاه به‌طور یک‌جانبه فقط برای آرشیدار متصور است و کاربر مستقیم آرشیه، گاهی با استفاده غیرمستولانه از منابع، بدون اندیشیدن به حفظ و حراست از ارزش‌های فرهنگی - تاریخی منابع، لطمات جبران‌ناپذیری را به منابع وارد می‌سازد و درواقع نسل بعدی را از دسترس‌پذیری به آنها محروم می‌کند. درحالی که اگر آنها نیز چون گروه‌های بالا نسبت به چپستی و چرایی وجود و حضور آرشیه مطلع باشند، قطعاً این آگاهی می‌تواند بر رفتار کاربری آنها تأثیر مثبتی برجای گذاشته و موجب ارتقای فرهنگ کاربری آنان در بهره‌مندی بهینه از منابع گردد.

برای تحقق هدف و فواید ذکرشده برای مخاطبان، این کتاب به‌ترتیب زیر، فصل‌بندی شده است.

پس از پیش‌گفتار مترجم و مؤلف، نکاتی درباره ویراستاری آمده است، سپس یکی از آموزه‌های مهم این کتاب در همان صفحات نخستین جلوه‌نمایی می‌کند و آن صفحه دیباچه کتاب است. با درج اسامی و سوابق حرفه‌ای افرادی که برای نگارش کتاب با آنها مشورت کرده هم بر اعتبار علمی و حرفه‌ای اثر خود افزوده، هم اصل صداقت در امانت‌داری را در حوزه دانش، به‌خوبی به‌جای آورده، و هم به‌طور عملی بر کار گروهی و لزوم مشارکت و به‌اشتراک‌گذاردن تجربه‌های دیگران که از ضرورت‌های حرفه‌ای انکارناپذیر این حرفه است، صحنه گذارده است.

در فصل اول به قدرت فلسفه در ایجاد نظریه و جهان‌بینی اشاره شده است، دو مبنایی که تصمیم‌ها،



آرشیوداران باید صلاحیت‌های علمی و عملی خود را به‌عنوان حرفه‌ای‌هایی مستقل باور داشته و بیش از پیش به اثبات رسانند

آرشیو و نحوه حیات آنها در کنار یکدیگر چیست؟ اما این پرسش‌ها پاسخ قاطع و روشنی نداشتند و به همین دلیل بود که طی چند دهه اخیر انجمن‌های حرفه‌ای متعددی چون یاسا، فیاف، فیاف و نظایر آنها به‌وجود آمدند تا به این پرسش‌های اساسی پاسخ دهند. مؤلف از آن جهت برای این حرفه فلسفه و اصول مستقلی قائل شده است که این حرفه را زیرمجموعه علوم مشابه دیگری ندانسته، بلکه آن را به‌طور کلی مجموعه‌سازی و حفظ مجموعه می‌داند. وی این حرفه را شامل دانش کتابداری، دانش آرشیوداری، مراقبت از مواد، سندداری، دانش اطلاع‌رسانی، موزه‌داری و مجموعه‌داری هنری می‌داند و حتی در صفحه ۳۱ اشاره می‌کند که این فهرست هنوز کامل نیست!

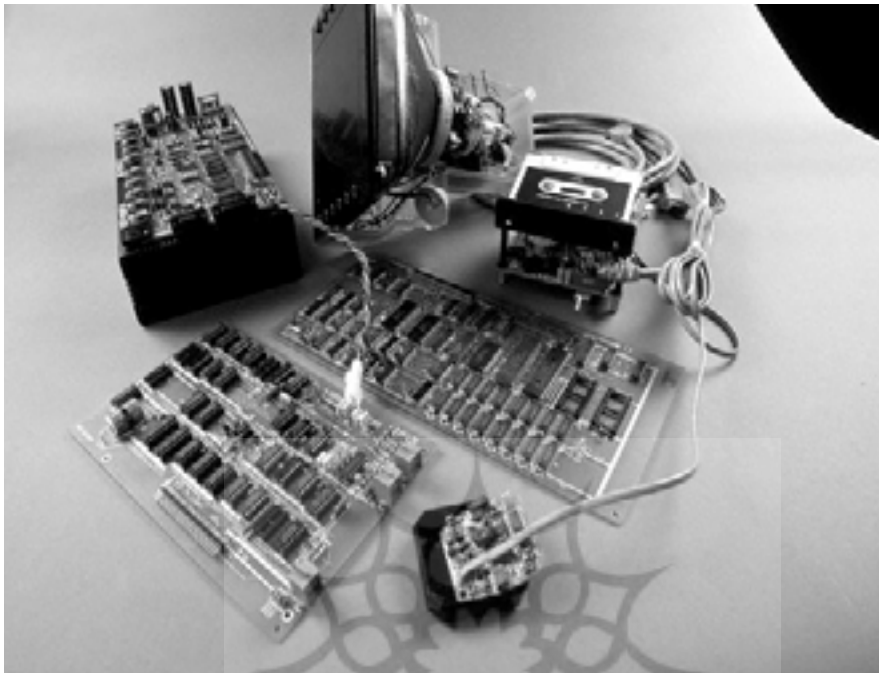
مؤلف در فصل دوم درصدد است حتی هویت حرفه‌ای آرشیوداری دیداری - شنیداری را مستقل از آرشیوداران اسناد چاپی به اثبات رساند. چنانچه می‌نویسد: «آرشیوداران دیداری - شنیداری نیز نیاز و حق دارند در محافل حرفه‌ای، متمایز از آرشیوداران به رسمیت شناخته شوند و قربانی واژه‌ها نشوند» (ص ۳۶).

به‌باور مؤلف، مردمی‌بودن محتوای اسناد، آسیب‌پذیرتر بودن و جوانی نسبی این حوزه حرفه‌ای چیزی از اهمیت آن نمی‌کاهد و آرشیوداران با تمام وجود باید از تمامیت و استقلال اسناد دیداری - شنیداری در برابر سانسور فشارهای سیاسی و اقتصادی محافظت کنند و با رعایت اصول و تکنیک‌های علمی و روزآمد و سیاستی هدفمند، این منابع را برای استفاده عموم

ساختارها و روابط بر آنها استوارند. از این‌رو مؤلف معتقد است که حرفه آرشیوداری نیز بی‌نیاز از وجود و اعتقاد به یک فلسفه نمی‌باشد، زیرا بدون باور به مبانی فلسفی، کار در آرشیوها با خطر من‌درآوردی بودن و ناهماهنگی و مبتنی بر تجربیات نقدنشده یا سیاست‌های بوالهوسانه روبه‌رو خواهد بود و بعید است که چنین آرشیوهایی بتوانند مکانی معتبر باشند.

از دهه ۱۹۹۰ بود که بسط یک مبنای نظری تدوین شده برای حرفه آرشیوداری اهمیت پیدا کرد، زیرا اهمیت آشکار و فزاینده رسانه‌های دیداری - شنیداری، به‌عنوان بخشی از حافظه جهان، به توسعه سریع فعالیت آرشیوی، فراتر از آرشیوهای سنتی منجر شد. توسعه‌ای که به‌دنبال به‌حداکثر رساندن منافع بالقوه و ارسال سریع‌تر پیام‌های قوی بود تا منافع محیط‌های تجاری و نیمه‌تجاری را بیش از پیش فراهم کند. اما پیش از سرازیر شدن منافع حاصل از اندوخته‌های انبوه آرشیوی، چند پرسش باید پاسخی روشن در دنیای حرفه‌ای رسانه‌ای پیدا کنند. این سوالات عبارتند از:

۱. آیا افراد شاغل در آرشیوها به‌عنوان یک حرفه مستقل که دارای ارزش، اخلاق و اصول حرفه‌ای می‌باشند، شناخته شده‌اند؟
۲. آیا استانداردها و دوره‌های آموزشی رسمی برای شاعلان در این حرفه به‌اندازه کافی از سوی مراجع رسمی مرتبط تدوین شده است؟ و آیا توزیع عادلانه و معقولی در جهان دارد؟
۳. تکلیف رشد چندرسانه‌ای‌ها در کنار منابع سنتی



دسترس‌پذیر گردانند.

بدین منظور فلسفه وجودی آرشبوداری می‌طلبد منابع و فرصت‌هایی که در حال حاضر بین جهان اول و جهان سوم نابرابر و ناعادلانه توزیع شده است، با حمایت‌های ملی و بین‌المللی و با شناخت بهتر و بیشتر ارزش‌های این حرفه به عدالت و برابری بی‌انجامد. ارزش‌های حرفه‌ای که در بسیاری از موارد هرگز قابل بررسی و تأیید نیستند، مانند دقت، صداقت و شفافیت آرشبوداران که در محیط‌های بی‌زرق و برق اما بسیار پرکار آرشبوهای دیداری - شنیداری با انگیزه‌های بالا و خودجوش حافظ حافظه‌های ملی و جهانی‌اند و با تدبیر و هوشمند همواره سعی می‌کنند بین دسترس‌پذیری عمومی و رازداری در قبال مالکیت حقوقی منابع، تلفیقی عادلانه برقرار کنند.

مؤلف اصرار می‌ورزد که آرشبوداری یک حرفه است، زیرا مانند هر حرفه شناخته‌شده دیگر دارای موجودیت‌های زیر است (ص ۲۴):

۱. مجموعه‌ای از دانش و متون تخصصی، که به‌طور رسمی در دوره‌های مستقل دانشگاهی در سطح کارشناسی ارشد در دانشگاه‌های معتبر جهان تدریس می‌گردد یا در قالب آموزش‌های ضمن خدمت از طریق سازمان مادر آرشبو، طراحی و تدریس می‌شود یا دارای آن دسته از دوره‌هایی است که به‌شکل حضوری یا غیرحضوری از سوی انجمن‌های بین‌المللی تخصصی برگزار می‌گردد؛

۲. ضوابط اخلاقی، اصول و ارزش‌های معین و

معتبری دارد، واضح این ارزش‌ها نیز اغلب انجمن‌های

بین‌المللی حرفه‌ای این حوزه است؛

۳. دارای اصطلاح‌شناسی و مفاهیم خاص خود است که از دل متون تخصصی این حوزه استخراج شده‌اند یا اصطلاحات رایج و مشترکی‌اند که آرشبوداران در نقاط مختلف جهان از آنها استفاده می‌کنند؛

۴. پارادایم و فلسفه مجزایی دارد، اگرچه هنوز در این بخش همفکری و تلاش بیشتری از جانب حرفه‌ای‌های آرشبوهای دیداری - شنیداری احساس می‌شود و جای کار زیادی برای پیشرفت آن وجود دارد؛

۵. مهارت‌ها، روش‌ها، استانداردها و نظام‌نامه‌هایی دارد که راهنمای بهترین عمل برای آرشبوداران است؛

۶. انجمن‌های حرفه‌ای در سطح بین‌المللی دارد که مدافع حقوق معنوی آرشبوداران و مالکان منابع دیداری - شنیداری می‌باشند، مانند انجمن‌های ای. آر. اس. سی، ای. سی. ای. ای. ای. سی. ای. ای. فیات و فیاف.

بنابراین به‌اتکای این داشته‌ها، آرشبوداران باید صلاحیت‌های علمی و عملی خود را به‌عنوان حرفه‌ای‌هایی مستقل باور داشته و بیش از پیش به اثبات رسانند. آنان باید تلقی مشخص و مستقلی از حرفه خود داشته باشند و در عصر انفجارگونه تولید آثار دیداری - شنیداری برای به‌رسمیت‌شناختن این حرفه بهتر بیاموزند و بیشتر بکوشند.

به‌اعتقاد مؤلف، دوره آرشبوداری سلیقه‌ای، یادگیری در حین کار و بداهه‌کاری در حال گذر است، زیرا این ویژگی‌ها، بازدارنده‌اند و آرشبوداران نباید تن به چنین

شرایطی بدهند.

مؤلف در فصل سوم برای واژه آرشیداری تعریف گسترده‌ای ارائه کرده و آن را شامل ساختمان، محفظه منبع، فایل رایانه‌ای و خود پیشینه‌ها و اسناد دیداری - شنیداری می‌داند. پس از آن در همین فصل واژه موزه و کتابخانه را تعریف کرده و بر این واقعیت تأکید کرده است که هر سه واژه، قدرتمند و گیرا هستند و هم‌ترازی با حرفه‌ها، استانداردها و ویژگی‌های جهانی، پاسداری فرهنگ، اعتبار و استمرار را القا می‌کنند. پس از آن، به تعریف کلی توصیفگرهای محل‌ها و رسانه‌ها، از جمله صفحه، فیلم و نوار، پرداخته است. در ادامه نیز مفاهیم کلیدی و اصلی چون سند، پیشینه، صدا و برنامه پراکن تعریف شده است.

آنچه در فصل سوم حائز اهمیت است، دیدگاه مؤلف درباره دو وظیفه مهم آرشیداران، یعنی نگهداری و دسترسی است. وی این دو را دو روی یک سکه خوانده و تأکید می‌کند که نگهداری، به‌منظور حصول اطمینان از امکان دسترسی ضروری است و نگهداری به‌خودی‌خود پایان کار نیست و نگهداری بدون هدف دسترسی بی‌معناست. او برای نگهداری با هدف دسترس‌پذیری، ابعاد و عمق گسترده‌ای را برمی‌شمرد و آرشیداران را از برداشتها و اقدامات سطحی پرهیز می‌دهد، برای مثال

می‌نویسد: تهیه کپی از محملی که در

خطر نابودی است، پایان کار نیست.

نگهداری وظیفه‌ای مدیریتی است

که هرگز پایانی ندارد، از سوی

دیگر دسترسی نیز به همان

نسبت واژه‌ای است که دامنه

گسترده‌ای دارد و به‌طور خلاصه

دسترس‌ی به معنای همه اشکال

استفاده از مجموعه آرشیداری است،

مؤلف اقداماتی چون سوءاستفاده از

ماده آرشیداری مثل پخش رادیویی یا

تلویزیونی یا فروش کپی‌های با کیفیت پایین یا

کار کلیشه‌ای پخش قطعه فیلم‌های قدیمی با

سرعت نادرست را اقداماتی می‌داند که از ارزش

کار دسترس‌پذیری منابع می‌کاهد.

بنابر تلقی مؤلف از فلسفه نگهداری

و دسترسی در آرشیدوها، این مهم به تمام

دست‌اندرکاران آرشیدوها در تمام انواع و سطوح

آرشیداری یادآور می‌گردد که «در عین حفاظت از

اسناد میراث فرهنگ دیداری - شنیداری کشور

ایجاد بستر مناسب و امکان استفاده از اسناد تنها

هدف گردآوری منابع، فراهم کردن تجهیزات و

گردهم‌آیی آرشیداران است و هرگونه اقدامی که

مانع رساندن به‌موقع اسناد به کاربران نهایی آنها گردد ما را از اصلی‌ترین هدف آرشیداری دور خواهد کرد و درنهایت به اتلاف انرژی اطلاعاتی ذخیره شده در اسناد منجر می‌گردد و موجب ضرر و زیان فراوان به سازمان مادر آرشیدو و ضرر جبران‌ناپذیر به پیکره تحقیق و توسعه کشور می‌گردد» (ص ۲۷).

فصل سوم کتاب با تعریف جامعی از آرشیدوار به پایان می‌رسد: آرشیدوار دیداری - شنیداری، فردی است که مدرک رسمی دارد، یا صلاحیت وی در همان سطح تأیید شده است، یا در سطحی حرفه‌ای در یک آرشیدو دیداری - شنیداری در توسعه، اداره، نگهداری، یا دسترس‌پذیر کردن مجموعه آن آرشیدو یا ارائه خدمات به مراجعان آن مشغول به کار است.

ادموند سون درباره مدیریت آرشیدو دیداری - شنیداری بر این واقعیت مدیریتی صحنه می‌گذارد که شواهد بسیاری وجود دارد که نشان می‌دهد افراد شاغل در حرفه‌های مجموعه‌سازی، نهادهای مجموعه‌سازی را با موفقیت بیشتری اداره می‌کنند و به این مناقشه دیرین که مدیر آرشیدو باید متخصص این رشته باشد یا نه پاسخ مثبت می‌دهد.

در فصل چهارم ابتدا به‌اجمال درباره تاریخ پیدایش آرشیدوها بحث شده، سپس انواع مختلف

آرشیدوها ذکر و تقسیم‌بندی‌های

گونه‌شناسی آرشیدوها به‌طور کامل

تشریح شده است. مطالعه انواع

گونه‌های آرشیدویی گسترده

دامنه آرشیدوها را در نهادها و

سازمان‌های مختلف دولتی

و غیردولتی مورد تأکید قرار

داده و نشان می‌دهد که

حوزه فعالیت آرشیداران چقدر

وسیع است.

مؤلف در این فصل ضمن

برشمردن اصول فنی مشترک در

آرشیدواری، انگیزه‌های فرهنگی

و اصول اخلاقی را در مدیریت

آرشیدوهای دیداری - شنیداری

بالا‌تر از اصول فنی یا فایده‌گرایانه

می‌داند. وجود وابستگی‌های

سازمانی منابع آرشیدویی، اغلب اوقات

اصل اخلاقی «دسترس‌ی همگانی و عمومی» را

که در کتابخانه‌ها و آرشیدوهای مکتوب وجود دارد،

تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. وی تأکید دارد که نحوه

برخورد با این اصول در این حرفه اهمیت زیادی

دارد و تا حد زیادی تابع نهاد مادر آرشیدو دیداری -

آرشیدوار دیداری - شنیداری، فردی

است که مدرک رسمی دارد، یا

صلاحیت وی در همان سطح تأیید

شده است، یا در سطحی حرفه‌ای

در یک آرشیدو دیداری - شنیداری

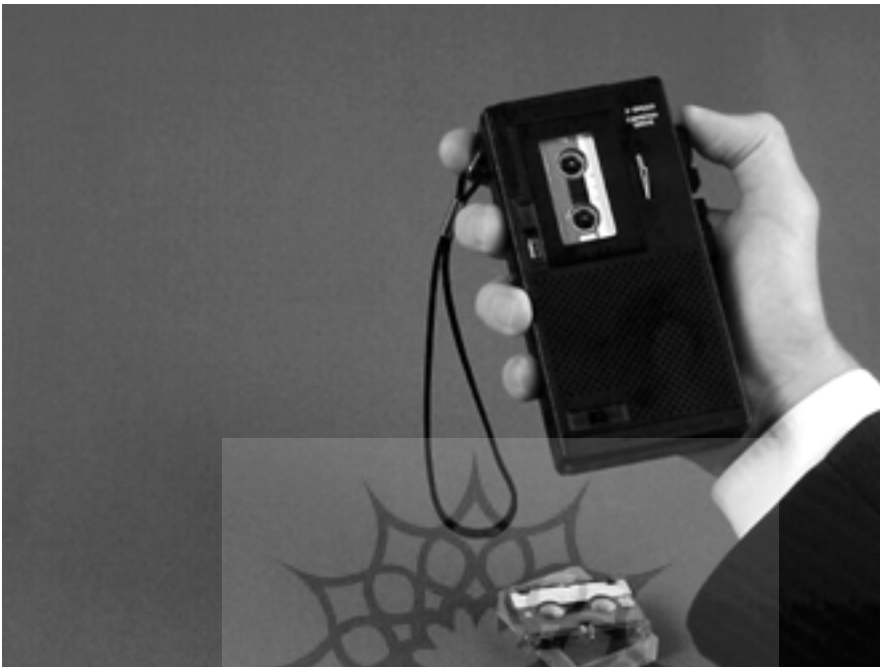
در توسعه، اداره، نگهداری، یا

دسترس‌پذیر کردن مجموعه آن آرشیدو

یا ارائه خدمات به مراجعان آن مشغول

به کار است





شنیداری است.

نهادهای مادر آرشیوها اغلب سازمان‌های انتفاعی‌اند و تجربه نشان داده که معمولاً آنها شیفته تولیدات جدید و در پی منافع آنی خود هستند و کمتر به پیشینه‌های آرشیوی با دیدی فرهنگی و تاریخی می‌نگرند، از همین روست که جهان‌بینی نهاد مادر اغلب با پارادایم آرشیوداران که رسالت حفظ حافظه ملی و جهانی را دارند در تعارض است و این تعارض به‌شدت مدیریت حرفه‌ای آرشیوهای دیداری - شنیداری را همواره سخت و پرمسئله کرده و تهدیدی جدی برای تحقق اصول و فلسفه حرفه‌ای مدیریت آرشیو است، زیرا همیشه آنها را با این تناقض مواجه می‌کند که چگونه می‌توان کارهای بسیار برای انجام‌دادن را با زمان و امکانات بسیار اندک جمع کرد. از این رو یک آرشیودار باید مهارت‌های چندگانه داشته باشد تا بتواند در میان این تناقض بزرگ به‌خوبی از عهده مسئولیت‌های عظیم حرفه‌ای خود برآید، او باید توان تفکر خلاقانه، خطرپذیری، سیاست‌بازی، روابط عمومی قوی و دانش و مهارت فنی را با هم داشته باشد.

مؤلف در ادامه فصل چهارم به بیان تفاوت‌هایی که آرشیوهای دیداری - شنیداری در اصول حرفه‌ای خود با دیگر نهادهای مشابه دارند، پرداخته و به این واقعیت اشاره می‌کند که به‌دلیل جوان بودن نسبی این حرفه، آرشیوها جز در معدودی از کشورها، هنوز نمی‌توانند به‌طور مستقل یا به‌طور ملی قد علم کنند و هنوز مقررات و شرایط آنها پایین‌تر از حد آرمانی و مطلوب است. وی به‌کارگیری تمهیداتی چون وجود

شورای تخصصی مدیریتی و تدوین خط‌مشی‌های حرفه‌ای را برای به‌دست‌آوردن حداقل مطلوب در اداره آرشیوها که می‌تواند به تثبیت موجودیت نیمه‌مستقل آنها بینجامد، راهگشا می‌داند. اما مطلوب نظر مؤلف در اداره مستقل آرشیوها وضعی است در حد وجود هویت حقوقی آرشیوهای دیداری - شنیداری در قانون اساسی هر کشور و به‌تبع آن وجود کد بودجه مستقل در بودجه سالانه‌ای که در هر دولت پیش‌بینی می‌گردد.

مؤلف در فصل پنجم ویژگی‌های اساسی محمل‌های دیداری - شنیداری را برشمرد و به آرشیوداران تأکید می‌ورزد که آنها باید همواره بر اینرسی سکون که همان اضمحلال خود به خودی یک نظام است بپرهیزد و برای ارتقای مستمر حرفه، اقتصادی‌ترین تصمیمی را که به حفظ و نگهداری بهتر منابع می‌انجامد، اتخاذ کنند. تصمیمی که به‌دلیل تنوع و تکثر روزافزون فناوری، از حل یک معادله چندمجهولی مشکل‌تر است.

در حال حاضر بزرگ‌ترین چالش آرشیوهای دیداری - شنیداری کوچ از منابع و محیط آنالوگ به دیجیتال است، کوچی که در پایان به‌طور کامل رابطه محتوا را با محمل اولیه بشرساخته قطع می‌کند و با قطع آن تمام فرهنگ و فنون مثبت و منفی استفاده از منابع آنالوگ نیز از بین می‌رود و کاربران به‌ناچار باید با فرهنگ و فنون جدید آشنا شوند. این کوچ، مدیران آرشیوها را هم با پرسش‌های اساسی چون مسائل پیشرفت نرم‌افزاری و سخت‌افزاری، توزیع نامتوازن این فناوری، نفع تجاری در برابر نفع عمومی، حقوق پدیدآورندگان، تحمل اقتصادی

و مدیریت ریسک روبه‌رو می‌سازد و بار عظیمی را در کنار انجام فعالیت‌های روزانه در محیط نیمه‌کوچ یافته‌آناگوس و انبوهی از فعالیت‌های فنی و فرهنگی مربوط به کوچ کامل به محیط جدید دیجیتالی را روی دوش آرشیوداران قرار می‌دهد.

به‌نظر نگارنده این سطور که خود بیش از ۱۷ سال است که در حرفه آرشیوداری مشغول فعالیت و تدریس است، بدون کمترین تعصب، در این برهه از زمان، شاید در هیچ حرفه‌ای این همه فشار کاری و روانی وجود نداشته باشد، زیرا هیچ فرد حرفه‌ای جز آرشیوداران وجود ندارد که مجبور باشد در آن واحد بین چندین تصمیم‌گیری ضد و نقیض به جمع‌زدن بپردازد، آن هم به‌گونه‌ای که سرانجام پاسخ هیچ‌کدام نیز نه‌تنها صفر و منفی نشود، بلکه به سودمندترین و ماندگارترین پاسخ بینجامد.

اگرچه آخرین جملات کتاب تا حدی اغراق‌آمیز است، اما آنچه در سراسر این کتاب به‌عنوان فلسفه و اصول آرشیوداری دیداری - شنیداری آمده است، تدوین منظم و ترقی‌جویانه تمام مسائلی است که در حیطه نظری و در برخی از عرصه‌های عملی، ما آرشیوداران با آن مواجهیم و با مطالعه این کتاب که در نوع خود کتاب روزآمد و مفیدی است می‌توانیم به جهان‌بینی خود نظم بیشتری و حرفه‌ای‌تری داده و افق‌های جدیدی را پیش رویمان بگشاییم تا بتوانیم با انگیزه و هدفمندی حرفه‌ای بیشتری به حل معضلات بی‌شمار این حرفه بپردازیم و موجب ارتقای حرفه‌ای آرشیو در سازمان‌ها و نهاد مادر خود باشیم.

به امید روزی که آرشیوداران دیداری - شنیداری ایران در قالب یک تشکل ملی صاحب حقوق و قوانین مدون و رسمی در بالاترین نهاد قانون‌گذاری کشور باشند، تا در سایه این حقوق بتوانند از تمامیت میراث فرهنگ دیداری - شنیداری این مرز و بوم، آنچنان‌که آرزو دارند، پاسداری کنند و این میراث را در نهایت سلامت، امنیت، دقت و صحت به نسل‌های آینده منتقل کنند.

پی‌نوشت‌ها:

1. kaveh_giti@yahoo.com
2. Audiovisual Archiving philosophy and Principles
3. Ray Edmondson
4. IASA
5. FIAF
6. FIAT
7. ARSC
8. ACE
9. AISA

مؤلف در فصل ششم که به اصول مدیریتی اختصاص دارد، بر وجود خط‌مشی‌های مدون برای تمام ابعاد مدیریتی آرشیو تأکید دارد، از جمله چگونگی مجموعه‌سازی، نحوه‌گزینش منابع، راه‌های فراهم‌آوری آنها، موادی که نباید گزینش شوند و آنها که باید امحا گردند، چگونگی نگهداری هر مواد بسته به ویژگی‌های آن ماده، سطح و عمق دسترس‌پذیری، مستندسازی، فهرست‌نویسی و مسائل حقوقی. مؤلف، برای تدوین این اصول مدیریتی آرشیوداران سراسر دنیا را به همکاری و هماهنگی با یکدیگر، تأثیرگذاری و اثرپذیری از صنایع و حرفه‌های وابسته فرامی‌خواند و معتقد است که هیچ آرشیوی یک جزیره نیست.

ادموندسون در فصل هفتم تأکید می‌کند که برای حرفه آرشیوداری ضوابط و اصول اخلاقی در سطح بین‌المللی، ملی و نهادی وجود دارد. اصولی که هم با رفتار فردی و هم با رفتار سازمانی سروکار دارد؛ با موضوع‌های کاملاً مشخص که عبارتند از: حفظ تمامیت و نگهداری زمینه مواد مجموعه، عملکرد درست در دسترس‌پذیر کردن، حق دسترسی، تضاد منافع و سود شخصی، رعایت حاکمیت قانون و تصمیم‌گیری مبتنی بر خط‌مشی، راستی، درستی، پاسخ‌گویی و شفافیت،

